

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
پایه‌سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مأخذ	ویرایش دوم	تکمیل مأخذ و ویرایش نهایی

### نکات کلی در مورد مراقبات عبادی ماه رجب

یکی، دو نکته راجع به ماه رجب عرض کنم، چون فرصت بسیار غنیمتی است که خدا عنایت کرده، ولو شما به‌عنوان یک ضبط صوت به حرفهای من گوش دهید. خود من به‌شدت محتاج این موعظه‌ها هستم و دستم خالی‌تر از همه‌ی شماست؛ اگر من را راست‌گو می‌دانید، بدانید که راست می‌گویم. ماه رجب، ماه عظیمی است و در این ماه خدای متعال عبادات ویژه‌ای به مؤمنان هدیه داده است. دعا‌های بسیار زیبا با مضامین بسیار عمیق، لطیف و بلند. امیدواریم خدا توفیق دهد در این ماه مشغول تأمل و تفکر در مضامین این دعاها باشیم و محروم نشویم.

یکی از سفره‌های بزرگ الهی در این ماه که برای پذیرایی مؤمنین گسترده شده، این ادعیه‌ی بلند و عمیقی است که از جانب معصومین علیهم‌السلام در دسترس ما قرار گرفته است؛ در همین کتاب *مفاتیح‌الجنان* مرحوم محدث قمی، تعدادی از این ادعیه نقل شده است؛ نمازهای متعددی نقل شده است. امیدواریم خدا عنایت کند با توجه، با حضور قلب، با اخلاص، تا آنجایی که انسان شاداب است و شوق و اشتیاق دارد، این نمازها را به‌جا بیاورد و لذت و بهره‌اش را ببرد؛ این چیزی که در مورد این نمازها وعده داده شده است، هیچ‌کدامش اغراق نیست؛ مثلاً شب اول ماه رجب بعد از نماز عشاء، یک نماز دو رکعتی خیلی ساده است؛ یادتان است دیگر! بعد از سوره‌ی حمد، سوره‌ی انشراح را می‌خواندید، رکعت اول بعد از سوره‌ی انشراح، سه‌بار **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** را می‌خواندید، رکعت دوم بعد از سوره‌ی حمد، سوره‌ی انشراح و بعد از آن یکبار **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ**، یکبار **قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ** و یکبار هم **قُلْ**

**أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ**؛ شاید این نماز پنج دقیقه یا ده دقیقه طول بکشد؛ در روایت است اگر کسی همین دو رکعت نماز را بخواند، مثل روزی است که از مادر متولد شده؛<sup>۱</sup> از همه‌ی گناهان پاک شده است؛ بلا استثناء؛ هیچ استثناء هم ندارد؛ امیدواریم این حرف‌ها را باور کنیم و خیلی غنیمت بشماریم، اینها عطایای بزرگ خدا در این ماه است. یا روزه‌ی مستحبی این ماه.

یادتان است گفتم ذکر وجود دارد که اگر کسی [در این ماه] به روزه موفق نشد، اگر آن ذکر را صد بار بگوید، جایگزین روزه می‌شود؛ ذکرش هم یادتان است دیگر، **سُبْحَانَ إِلَهِ الْجَلِيلِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ الْأَعَزِّ الْأَكْرَمِ سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ الْعِزَّةَ وَهُوَ لَهُ أَهْلٌ**.<sup>۲</sup> خیلی این ذکرها عجیب است. علی‌ای‌حال، امیدوارم خداوند عنایت کند روزه‌ها را با تقوا و ورع توأم کنیم، کام بستن را با ورع و تقوا همراه کنیم؛ این هم آثار عجیبی دارد. یادتان است جلسه‌ی قبل آن حدیث ملک داعی را برایتان خواندم، که خدای متعال برای یک روز روزه‌ی این ماه چه وعده‌ی عظیمی داد! چه برسد به روزه‌های بیشترش!<sup>۳</sup>

چهارمین نکته هم صدقه‌دادن و انفاق کردن در راه خدا است که ان شاءالله آن هم توأم با اخلاص و فقط برای خدا و خشنودکردن خدا باشد. هیچ پیامدی را نخواهیم! حالا صدقه بلا را رفع می‌کند، روزی را زیاد می‌کند، نه، به‌خاطر اینها نه؛ فقط خالصانه برای خشنودکردن محبوب، شخص صدقه دهد. اگر روزه، روزه باشد و صدقه، صدقه باشد، در واقع اینها همان شراب طهور را برای انسان می‌سازند؛ شرابی که فرد را از همه‌ی تعلقات و دلبستگی‌ها مطهر می‌کند و توجّهش را به حضرت حقّ متمرکز می‌کند. به‌رحال در سلوک الی‌الله، قطعاً خلوت‌های عبادی، شرط غیرقابل ترک است و خدای متعال این عنایت را کرده که برای این خلوت‌های خاصی معین کرده است. یکی از فرصت‌های بزرگش

---

۱. سیدبن طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۳، ص ۱۷۸؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۳۸۰ و محّث قمی، مفاتیح‌الجنان، اعمال ماه رجب.

۲. صدوق، امالی، ص ۵۴۰؛ سیدبن طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۲، ص ۶۸۲ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۴، ص ۳۱.

۳. سیدبن طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۲، ص ۶۲۸؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۳۷۷ و صدوق، مستدرک‌الوسائل، ج ۷، ص ۵۳۵.

همین ماه رجب است. سالکی که اهل خلوت و اهل عبادت در خلوت نیست، به جایی نمی‌رسد؛ این ماه، ماه مستحبات است؛ مستحبات بسیار زیادی؛ همان که عرض کردم؛ قبلاً عرض کرده‌ام، فرق مستحب با واجب این است که واجب را در واقع واجب است که انسان انجام دهد، اما مستحب را نه، مستحب را از روی محبتش انجام می‌دهد؛ هدیه می‌کند به محبوب؛ نه به‌عنوان ادای قرض و بدهی، بلکه به‌عنوان یک هدیه به محبوب اهداء می‌کند؛ و می‌داند که هدیه، سبب ایجاد محبت می‌شود. خودتان هم دیده‌اید وقتی کسی به شما چند بار هدیه می‌دهد، مثلاً می‌رود کربلا یک هدیه می‌آورد، می‌رود سوریه یک هدیه می‌آورد، می‌رود مکه یک هدیه می‌آورد، می‌رود مشهد یک هدیه می‌آورد، اثر این سوغاتی‌های پی‌درپی که می‌آورد، بالاخره شما دوستدار او خواهید شد؛ اثر هدیه، ایجاد محبت است؛ و این اعمال، هدیه‌های عبد به خدای متعال است و لذا بین عبد و مولا محبت متقابل ایجاد می‌کند.

امیدواریم خدا توفیق دهد در این ماه یک مقدار از جنبه‌های طبیعی کم کنیم و به جنبه‌های روحانی بیفزاییم تا ان‌شاءالله جنبه‌های طبیعی ما، نفس ما، آرام بگیرد و بگذارد که روح ما در افق‌های بلند ملکوت و معنا به پرواز درآید و از خدا بخواهیم، دعا کنیم این توفیقات را به ما بدهد، توفیق این‌گونه عبادات خلوت‌ها را؛ البته مکمل دعا، عمل است؛ اینکه شخص دعا کند که خدایا به من مقامات بلند معنوی بده و اهل عمل نباشد، پا به میدان عمل نگذارد، به جایی نمی‌رسد؛ در روایت داریم که: **الدَّاعِي بِإِلَّا عَمَلٍ كَالرَّامِي بِإِلَّا وَتَرٍ**<sup>۴</sup> کسی که بدون عمل دعا می‌کند، مانند تیراندازی است که بدون تیر شلیک می‌کند؛ به‌هرحال به خودم عرض می‌کنم، خدا شاهد است که خودم را از همه‌ی شما نیازمندتر به این موعظه‌ها می‌دانم، به خودم عرض می‌کنم که حرف زیاد شنیدیم، ولی بیندیشیم که از آنچه که شنیدیم، چقدر شدیم؛ این یک بیت، زمانی بر زبان من جاری شد؛ گفتم:

---

۴. سیدرضی، نهج‌البلاغه، حکمت ۳۳۷، ص ۵۳۴ و حرّعاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۷، ص ۱۴۵.

از شنیدن تا شدن راهی است زفت

خوش به حال آنکه بشنید و برفت

از شنیدن تا شدن، خیلی راه طولانی و عظیمی است؛ باید شنید و راه افتاد و این راه را رفت؛ نه اینکه شنونده حرفه‌ای یا گوینده حرفه‌ای باشیم که یک عمر در حرف بمانیم. کجاست عمل؟ کجاست اثر و ثمر؟ کمی خلوت کنیم و در خلوت‌ها فکر کنیم که این همه شنیدیم و گفتیم، چقدر شدیم و رفتیم؟

امیدوارم خدای متعال توفیق دهد، اگر این شهرالله‌الاصب<sup>ه</sup> که رگبار تند رحمت و مهر الهی می‌بارد، ان‌شاءالله خودمان را از زیر این رگبار بیرون نکشیم و محروم نکنیم. خیلی غنیمت است! لحظه لحظه‌های این ماه بسیار بزرگ است؛ کسی هم نگوید این حرفها مال خوبان است، ما چه کاره‌ایم! نه، این ماه را اصلاً برای بدها گذاشته‌اند؛ خوب‌ها که خوبند؛ همه‌ی ماه‌های سال خوبند؛ خوش به حالشان! در این ماه‌ها را باز کرده‌اند برای کسانی مثل من؛ که ما هم جرأت کنیم بگوییم که ما هم هستیم؛ پا به بساط انس و قرب الهی بگذاریم، و الا منهای چنین فرصت‌ها و ماه‌هایی، ما کجا و این مقام‌ها کجا! ما کجا و این هوس‌ها کجا! گفت: ما لترات و ربّ الارباب! این است که کسی به خودش نگوید من آلوده‌ام، گنهکارم، من چه تناسبی با ماه رجب دارم! من چه تناسبی با این مقامات بلند معنوی دارم! نه، گاهی اوقات خدای متعال، اصلاً بدون خواست عبد، نه اینکه خدای ناکرده عبدی طالب معصیت باشد، نه، او را در موقعیتی قرار می‌دهد که معصیتی از او صادر می‌شود و خود آن معصیت، او را می‌شکند و می‌داند تنها چیزی که بشکند قیمتی‌تر می‌شود، نفس انسان است؛ دل انسان است؛ درون انسان است؛ و این وقتی یاد آن معصیتش می‌افتد، می‌شکند؛ احساس شرم سراغش می‌آید؛ می‌شکند؛ شکسته می‌شود؛ و وقتی شکسته شد، راه پیدا می‌کند. گفت:

در کوی ما شکسته‌دلی می‌خرند و بس بازار خودفروشی از آن سوی دیگر است

۵. اشعری قمی، نوادر، ص ۱۸ و حرّعاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۱۵.

۶. خاک را چه به عالم پاک!

**سَيِّئَةٌ تَسُوُّكَ خَيْرٌ مِنْ حَسَنَةٍ تُعْجِبُكَ:**<sup>۷</sup> آن سیئه و گناهی که در تو احساس شکستگی ایجاد می‌کند، پیش خدا خودت را بنده‌ی شرمنده‌ای می‌بینی، هزاران بار ترجیح دارد بر آن حسنه‌ای که در تو خودبینی و خودپسندی ایجاد می‌کند. لذا گاهی اوقات بدون اینکه خود عبد بخواند، خدا عبد را می‌کشاند، البته این حرف، حرفی است که خدای ناکرده کسی استفاده‌ی سوء از آن نکند. محال است عبد، طالب معصیت باشد؛ مؤمن معصیت را دوست داشته باشد؛ محال است؛ اما گاهی اوقات بدون خواست او در موقعیتی قرار می‌گیرد، خدا او را می‌کشاند، بدون اینکه خودش بخواند، برای اینکه او را بشکند. چون گاهی اوقات نفسانیات انسان را می‌گیرد؛ انسان حساب‌های خیلی بزرگی راجع به خودش می‌کند و همین بزرگ‌بینی، خودبینی و خودپسندی او را محروم می‌کند. دیدید از نظر احکام فقهی هم این‌طوری است که مثلاً ظرفی را سگی در آن چیزی بخورد و به آن دهان بزند، اگر ظرف بخواند پاک شود، راهش این است که باید این ظرف را هفت بار خاک‌مال کنند، صورت ظاهر شما می‌خواهید پاکش کنید، ولی دارید کثیف‌ترش می‌کنید، هفت بار خاک‌مالش می‌کنند، بعد از بار هفتم آبش می‌کشند؛ آن موقع طاهر می‌شود. گاهی اوقات سگ نفس، دهان می‌زند و همه‌ی روح و وجود شخص را نجس می‌کند. سگ خودبینی، سگ خودپسندی و خودپرستی، این دهان می‌زند و این روح نجس می‌شود، حالا باید هفت بار خاک‌مال شود. خدا خاک‌مالش می‌کند؛ این که خودش را خیلی مقدس و زاهد حساب کرده بود و به خدا هم ناز می‌فروخت، چه برسد به خلق خدا، حالا خدا خاک‌مالش می‌کند؛ یعنی او را به عالم خاک می‌مالد؛ با جنبه‌های طبیعی، با جنبه‌های نفسانی، با جنبه‌های غریزی خاک‌مالش می‌کند؛ معصیت از او صادر می‌شود.

هفت بار؛ حالا خود عدد هفت هم معنایی دارد، می‌دانید دیگر، عدد هفت، عدد کثرت است؛ معلوم نیست اینجا مقصود از هفت، خودِ عدد هفت باشد که بعد از شش است؛ مثل هفت آسمان، هفت

---

۷. تیمی آمدی، غررالحکم و درر الکلم، ص ۴۰۲؛ ابن فهدحلی، عده‌الداعی، ص ۲۳۶ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۳۲۱.

زمین؛ آن موقع است که حالا با آب توبه بعد از هفت بار خاک مال شدن، یعنی هفت بار آن تقدسی که برای خودش قائل بود، شکستن، بعد حالا با آب توبه، آبش بکشی، حالا دوباره پاک می شود. گاهی اوقات خدا این طوری می کند؛ لذا ضمن اینکه مؤمن محال است آرزوی معصیت کند، محال است معصیت را دوست بدارد، اما گاهی اوقات خدا می خواهد ظرفش را خاکمال کند؛ چون سگ به او دهان زده تا بعد خود این بنده برود خودش را زیر آب توبه بشوید؛ **التَّوْبَةُ تُطَهِّرُ الْقُلُوبَ وَ تَغْسِلُ الذُّنُوبَ**:<sup>۸</sup> توبه قلبها را تطهیر می کند و زنگار و چرک گناهان را از وجود و روح انسان می شوید.

**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ**

---

۸. تیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۷۳ و نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۲۹.